

M. H. Yazdani

A. Pourahmad, Ph.D

E.mail: apoura@ut.ac.ir

محمد حسن یزدانی، دانشجوی دکتری دانشگاه تربیت معلم تهران

دکتر احمد پورا احمد، استاد دانشکده جغرافیا دانشگاه تهران

شماره مقاله: ۶۹۴

## تأثیر مدرنیسم بر تحولات کالبدی شهرهای ایرانی - اسلامی، نمونه تبریز

### چکیده

در این مقاله، سعی شده است تحولات کالبدی شهرهای ایرانی - اسلامی با مورد نمونه شهر تبریز و تأثیر مدرنیسم بر این تحولات تفسیر و تبیین گردد. الگوی کلی طرح شهر ایرانی - اسلامی در دو دوره قبل و بعد از مدرنیسم و تطبیق آن با شهر تبریز مورد بحث قرار گرفته است. همچنین دوره‌های تحول شهر تبریز و عوامل تأثیرگذار مدرنیستی و ملی و منطقه‌ای بر این تحولات مطالعه شده است. در نهایت، نتیجه گرفته شده است که تحولات شهری معاصر ایرانی - اسلامی (تبریز) بیشتر ناشی از ظهور مدرنیسم در اقتصاد، اجتماع، سیاست، فرهنگ، و غیره است که تحولات کالبدی شهر تبریز را به وجود آورده است.

**کلید واژه‌ها:** شهرهای ایرانی - اسلامی، تحولات کالبدی شهر، مدرنیسم، شهر تبریز.

### مقدمه

شهرهای ایرانی اسلامی امروز را از لحاظ کالبدی می‌توان به دو بخش عمده سنتی و جدید تقسیم کرد. تحولات کالبدی بخش سنتی را می‌توان در دو دوره زمانی قبل از مدرنیسم و مدرن مورد مطالعه قرار داد. همچنین بخش جدید یا مدرن را می‌توان به دو بخش فیزیکی؛ حومه‌های با ساخت و ساز اصولی و برنامه‌ریزی شده که ثروتمندان و طبقات متوسط جامعه در آنها ساکنند و محلات جدید خودرو و بدون برنامه‌ریزی که فقرا و مهاجران روستایی در آنها ساکنند (محلات حاشیه‌نشین) تقسیم کرد.

بخش سنتی از لحاظ کالبدی در دو دوره زمانی قبل از مدرنیسم (۱۳۰۰) و مدرن (۱۳۰۰ به بعد) دارای عناصر و ویژگی‌های خاص بوده‌اند که از همدیگر مجزا می‌شوند.

همچنین بخش جدید با عناصر و ویژگی‌های خاص خود دو نوع کالبد با ویژگی‌های منحصر به فرد به وجود آورده است.

مقاله حاضر، شناخت کلی از وضع کالبدی شهرهای ایرانی - اسلامی قبل از مدرنیسم و تأثیر آن بر این شهرها را با مورد نمونه شهر تبریز به تصویر کشیده است.

### شهرهای ایرانی - اسلامی قبل از مدرنیسم

شهرهای قبل از ۱۳۰۰ در ایران حاوی نشانه‌هایی بود که گویای نمونه‌های ویژه شهر سنتی خاورمیانه اسلامی به شمار می‌رفت (اهلرس، ۱۳۸۰، ۱۶۶). بجز معدودی از شهرها، بقیه در میان دیوارهای محافظی محصور بودند (بیومنن و دیگران، ۱۳۶۹، ۲۴۸). دیوارها علاوه بر حفاظت شهر در برابر مهاجمان، شرایط آب و هوایی مناسبی نیز فراهم می‌آورد. تنها عنصر شهری که خارج از دیوار شهر قرار داشت، قبرستان‌ها بود. مسجد جامع و بازار دو عنصر شهری بودند که در رابطه متقابل با هم و در مرکز شهر قرار داشتند. مسجد جامع مرتفع‌ترین ساختمان شهر بود که در نزدیک بازار ساخته می‌شد و به عنوان محل اقامه نماز، دادگاه و مرکز فکری و آموزشی عمل می‌کرد (سلطانزاده، ۱۳۶۵، ۲۷۰). در کنار مسجد جامع و مساجد بزرگ دیگر گونه‌های ساختمانی دیگری نیز وجود داشت که از جمله می‌توان از حمام و مدرسه نام برد. حمام‌ها نقش بهداشتی و مدارس علوم دینی نقش آموزش را به عهده داشتند.

در بنای بازار اسلامی، سه بخش اصلی را می‌توان از هم تمیز داد: الف - کوی‌ها یا گذرهای اصلی و فرعی (راسته‌ها، که در دو طرف آن دکان‌ها و فروشگاه‌های به هم پیوسته، در یک ردیف رو به سوی گذرگاه‌ها دارند)؛ ب - مجتمع‌های تجاری دارای انبارها و محل‌هایی برای سکونت موقت بازرگانان (خان، سرا یا کاروانسرا، فندق، و کاله و رباع)؛ ج - مجتمع‌های تجاری بی‌امکان سکونت (قیصریه، تیمچه، بدستان) (دانشنامه جهان اسلام، حرف ب، جزوه سوم، ۳۱۱).

ارگ نیز در بعضی مواقع در کنار مسجد جامع و بازار واقع می‌شد و در بعضی مواقع نیز در کنار برج و بارو قرار می‌گرفت. فضاها، عناصر و تأسیسات درون هر ارگ به گونه‌ای بود که امکان زندگی نیمه مستقل را برای ساکنان آن تأمین می‌کرد تا در

صورت محاصره شدن بتوانند چند ماه بدون نیاز به فضای خارج، به زندگی خود ادامه دهند (سلطانزاده، پیشین، ۲۸۸).

در اطراف این ساختار عمومی، عرصه‌های سکونتی با نظم و ترتیبی متمرکز قرار داشتند که شهر را به چند محله مشخص و مجزا با ویژگی‌های خاص خود تقسیم می‌کردند و این محله‌ها مسجد و حمام و بازار و غیره را در در سطح محله‌ای و در مقیاس کوچک در خود داشتند. کوچه‌ها باریک و پرپیچ و خم بودند که از یک طرف به بازار و از طرف دیگر به بن‌بست‌ها منتهی می‌شدند. کوچه - پس کوچه‌ها تنها برای آمد و شد محلی و محله‌ای مورد استفاده قرار می‌گرفتند. ثروتمندان معمولاً در مرکز شهر و دیگران (فقرا، اقلیت‌های مذهبی، قومی و غیره) در محله‌های جداگانه در حاشیه شهر سکونت داشتند.

فضاهای شهری آنچنان ساماندهی می‌شد تا امنیت، سرپناه و حریم خصوصی شهرنشینان فراهم شود. شهرها با دیوارهایی محصور و محفوظ می‌ماندند و در بعضی موارد محله‌ها نیز برای خود برج و بارو داشتند. مصالح مورد استفاده در ساخت و ساز کم دوام و بومی بودند؛ به طوری که اکثر ساختمان‌ها از خشت و گل بود و در بعضی موارد ثروتمندان از آجر استفاده می‌کردند. خانه‌های شهرهای کوچک فاقد قسمت مجزای اتاق‌ها با کارکردهای متفاوت و در شهرهای بزرگ فقط خانه‌های خانوارهای مرفه‌تر دارای اتاق پذیرایی و فضای وسیع و خصوصی نشیمن بود (اهلرس، ۱۳۸۰، ۶۸-۱۶۶). اگر بخواهیم نمادی کلی از شهر ایرانی - اسلامی، طراحی کنیم، می‌توانیم شکل (۱) را به عنوان الگو بپذیریم. این نماد در سال ۱۹۶۹ توسط دتمان ترسم شده است.

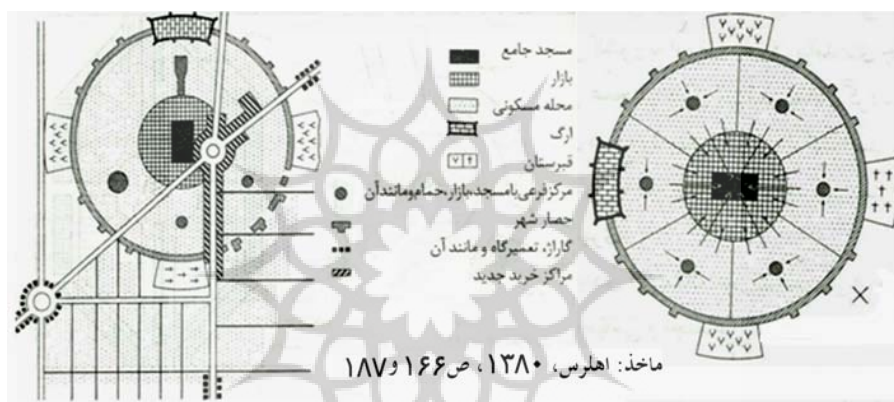
از نظر دتمان و ویرث شهرهای سنتی ایرانی - اسلامی کارکردها و ویژگی‌هایی

به شرح زیر دارند:

۱- وجود سلسله مراتبی از کارکردها با مسجد آدینه و بازار به عنوان هسته مرکزی فضایی هر شهر اسلامی؛

۲- وجود سلسله مراتب بازرگانی و پیشه‌وری در درون بازار، به طوری که نه تنها نظم و ترتیب مشخصی از فعالیت‌های کسب و کار و صنف‌بندی در سراسر مجموعه بازار به چشم می‌خورد، بلکه از نظر بازرگانی، دکان‌ها با کالاهای مرغوب و طراز اول در

- مجاورت هسته بازار و گذرگاه‌ها یا راسته‌های معتبر بوده و داد و ستد کالاها را کم‌ارزش‌تر در فاصله دورتری از مرکز جایگزین شده‌اند؛
- ۳- وجود محلات مسکونی درون شهری با جدایی‌گزینی مناسب و هماهنگ با تفاوت‌گذاری‌های اجتماعی، قومی، دینی و ... مردم شهر؛
- ۴- وجود تأسیسات و استحکامات نظامی- دفاعی مانند حصار، برج، بارو، دروازه، بندها و دربندهای محلات؛
- ۵- مشخصات خاص دیگری نظیر گورستان‌ها و بازارهای دوره‌ای بیرون باروی شهر (اهلس، ۱۳۷۲، ۳۰-۳۱).



شکل ۱: مدل دتمان از شهرهای اسلامی سنتی      شکل ۲: مدل دتمان از شهرهای اسلامی مدرن

شهرهای ایرانی - اسلامی بعد از مدرنیسم: با آغاز تحولات جدید سیاسی - اقتصادی، تحولات اجتماعی نیز خود را در سکونتگاه‌ها و شیوه معیشت و شهرنشینی سریع نمایان ساخت و بافت جدیدی در شهرها با رشد شتابان شروع شد (حسامیان، ۱۳۷۷، ۱۶۴). با افزایش جمعیت شهرها و مهاجرت شدید روستاییان به شهرها، سیاست عمومی نوسازی شهری و قواعد و الگوهای مصوب مرکزی، استفاده از وسایل حمل و نقل جدید و ایجاد اداره‌های جدید، نظام محله‌ای به سبک قدیم ماهیت خود را از دست داد و محلات نه بر معیارهای قومی - نژادی، بلکه بر اساس اقتصاد و طبقات اجتماعی نمایان شدند.

در این دوره، شهرهای ایرانی-اسلامی از لحاظ کالبدی سه بخش مجزا از هم شکل دادند: الف- بخش متحول شده سنتی؛ ب- محلات جدید برنامه‌ریزی شده؛ ج- محلات حاشیه‌نشین (شکل ۲). محلات جدید مطابق با اصول و قواعد ساخت و ساز برنامه‌ریزی شدند و تحت نظارت دولت و اداره شهرداری و سازمان‌های مربوطه به وجود آمدند. این محلات جدید از اصول شهرسازی معاصر و مدرن متأثر بودند. در این محلات اصول شهرسازی ایرانی-اسلامی رنگ باخته، الگوهای جدیدی به تقلید از شهرسازی مدرن غرب جایگزین آنها شد. این محلات در بیشتر موارد یا در زمین‌های بایر پیرامون شهر و یا در روستاهای نزدیک شهر که دارای آب و هوا و شرایط طبیعی مساعد بودند، به وجود آمدند (اهلرس، ۱۳۸۰، ۸۶-۱۸۴؛ مشهدیزاده، ۱۳۷۳، ۳۵-۴۳۱) و بتدریج روستاها و زمین‌های اطراف را بلعیدند.

با ظهور کارکردهای جدید ناشی از مدرن شدن یا تحولات تکنولوژیک و سیاسی-اقتصادی و اجتماعی بعضی از عناصر شهری نقش و کارکرد خود را از دست دادند. در نتیجه این روند، نقش و کارکردهای جدیدی در عرصه شهرها ظاهر شد که خود عناصر جدیدی را در شهرها خواستار بود. با ورود اتومبیل شبکه راه‌های تنگ و باریک و پریپچ و خم جای خود را به خیابان‌های شطرنجی منظم و عریض صلیبی شکل داد. با ظهور پاساژها و ساختمان‌های تجاری جدید در جلو خیابان‌ها، بازارهای سنتی نقش سابق خود را از دست دادند. به جای مدارس علوم دینی، مراکز آموزشی جدید از جمله دانشگاه‌ها و مدارس گسترش یافتند. با گسترش آب لوله‌کشی حمام‌های عمومی به نفع حمام‌های خصوصی کنار گذاشته شدند. نظام محله‌ای سبک قدیم ماهیت خود را از دست داد و محلات از هم گسیخته بی‌هویتی در درون بافت سنتی به وجود آمد. همچنین با پیشرفت فن‌آوری نظامی برج و باروهای شهرها فرو ریختند. در نتیجه رشد شهر، مرکز شهر نیز دچار تحول شد و ساخت و ساز و تغییر کاربری صورت گرفت و عناصر جدید، از جمله سینما، هتل، بانک‌ها و ادارات جدید شروع به رشد کردند و بافت سنتی از نظر اجتماعی-فرهنگی و جمعیتی در نتیجه تخلیه ساکنان ثروتمندتر رو به فرسودگی رفت (کاستللو، ۱۳۷۱، ۱۹۶).

در نتیجه، عوامل متعددی از قبیل مهاجرت روستاییان به شهرها، سرمایه‌گذاری در شهرها با عنوان اجرای طرح‌های شهری و عوامل ویژه وابسته به خود کشورها، از قبیل:

اصلاحات ارضی، وجود ذخایر نفتی و سرمایه‌گذاری بیشتر در شهرهای بزرگ، در حواشی شهرهای بزرگ کشورهای ایرانی-اسلامی سکونتگاه‌های حاشیه‌ای (حاشیه‌نشینی) به وجود آمد.

### ویژگی‌های کالبدی شهر تبریز قبل از مدرنیسم (تا دهه ۱۳۰۰ شمسی):

تبریز نیروی حیاتی خود را به طور عمده از سه عامل رونق بازرگانی و مرکزیت نظامی و سیاسی کسب می‌کرده است و این امر معلول موقعیت جغرافیایی این شهر از لحاظ ارتباط دادن ایران و آسیا با روسیه، عثمانی و اروپا بود. بازتاب کالبدی سه عامل یاد شده را در پیکر شهر نیز آشکارا می‌توان دید: بازاری بزرگ و ثروتمند، دیوانخانه گسترده و سربازخانه‌ها و مراکز نظامی پیرامون هسته مرکزی شهر (صفا منش و دیگران، ۱۳۷۶، ۳۳).

عناصر و ساختار کالبدی شهر تبریز، ضمن تأثیرپذیری از شرایط جغرافیایی از الگوی شهرهای ایرانی-اسلامی تبعیت می‌کرد. عمده عناصر مرکز شهر عبارت بودند از: بازار، مسجد جامع و دیوانخانه یا ارگ که در مرکز شهر جای داشتند و در پیوند تنگاتنگ با هم بودند. مهم‌ترین عنصر شهری تبریز تا این دوره بازار بود؛ به طوری که بزرگترین بازار سر پوشیده سنتی خاورمیانه را در خود جای داده بود (جوادی، ۱۳۵۰، ۱۵۳). سمت غربی بازار، مسجد جامع قرار داشت و مدارس دینی در پیرامون آن بنا شده بود. در سمت جنوب شرق بازار دیوانخانه و عالی قاپو و جبه‌خانه قرار داشت که قصرهای شاهی و حرمخانه و چاپارخانه و غیره را در خود جای داده بود. در کل مرکز شهر، بازار، دیوانخانه و مسجد جامع با هم مجموعه‌ای را تشکیل می‌دادند که اکثر کاربری‌ها را در خود داشتند. این مجموعه برای خود برج و بارو داشت و محلات در بیرون برج و بارو بود و در بعضی از دوره‌ها محلات نیز داخل برج و بارو قرار می‌گرفتند. این مجموعه کارکرد ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی داشت. ساخت و ساز این محوطه، مجموعه‌سازی بود و ساختمان سازی منفرد در این محوطه وجود نداشت. این محوطه را می‌توان به اسم کهنه‌دژ نیز نام برد (شکل ۳).

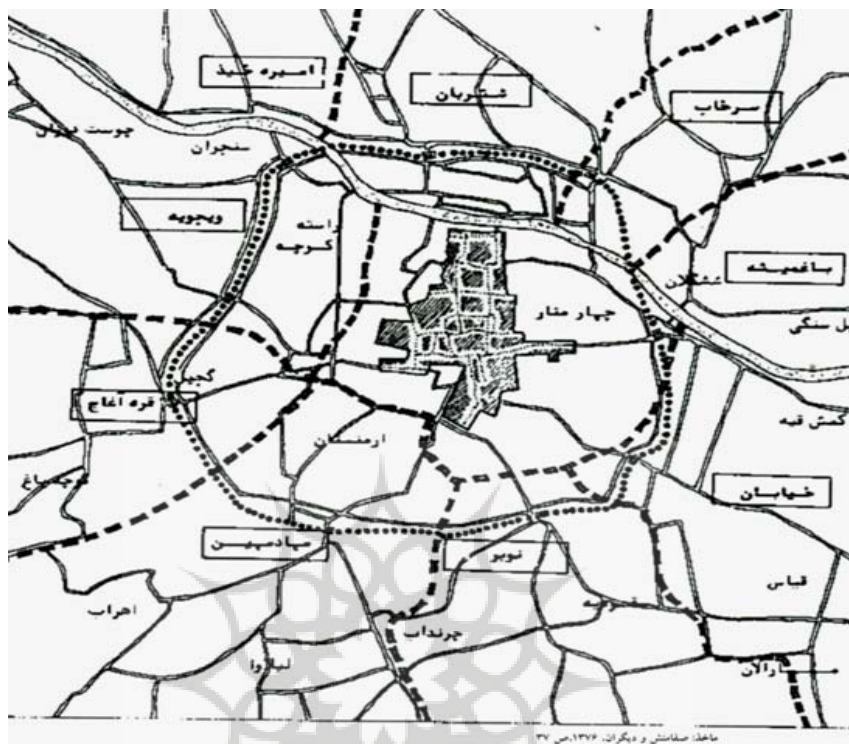
بخش دوم شهر که به اسم شارستان نیز خوانده می‌شد، در پیرامون محوطه مرکزی شهر توسعه می‌یافت. این بخش مجموعه محلات را شامل می‌شد. قسمت عمده مرکز شهر تبریز جزو محله چهار منار حساب می‌شد و تنها بخش کوچکی از محدوده درون بازار در

لبه‌های شمالی، جزو محله شتربان و شرقی جزو محله سرخاب، غربی جزو محله ویجویه و جنوب غربی جزو محله مهاده مهین به حساب می‌آید. در ساختار کالبدی شهر تبریز هر چند که نمی‌توان مرزبندی مشخص برای محلات تعیین کرد، اما با مطالعه دقیق شهر، و نه محله قابل شناسایی است که هر محله همه کاربری‌ها و عناصر را در خود داشت و در سطح محله‌ای خدمات ارائه می‌داد و تا حدودی بی‌نیاز از محلات اطراف بود به طوری که اکثر آنها دارای حمام، مسجد، بازار، قبرستان و غیره بوده‌اند و همچنین می‌توان کوی ارمنستان از محله مهاده مهین را گتوی ارمنی‌نشین شهر تبریز محسوب کرد. برای هر کدام از محلات و عناصر و فضای موجود در آن در جدول زیر مثالهایی می‌آوریم:

جدول ۱: نام محلات و بعضی از فضاهای موجود در آن در شهر تبریز تا قبل از ۱۳۰۰

ردیف	نام محله	محدوده	نمونه ای از عناصر موجود
۱	محله باغمیشه	شرق شهر تبریز بالای رودخانه	حمام حاجی رحیم، مسجد حاجی رحیم، بازارچه پل سنگی، قبرستان جنب مسجد کوه، تکیه سلطان، کاروانسرای میر آخور، دروازه باغمیشه
۲	محله خیابان	شرق شهر تبریز جنوب رودخانه	قبرستان قمیش قیه، حمام خان، کاروانسرای حاج شیخ جعفر، مسجد جهانشاه، مدرسه جلالیت، بازارچه خیابان، دروازه خیابان
۳	محله نوبر	در بخش‌های جنوبی شهر	حمام وزیر، مقبره و مسجد میرزا مهدی قاضی، بازار قائم مقام، قراولخانه، دروازه نوبر، کاروانسرای حاج حسین، قبرستان نوبر
۴	محله مهاده مهین	در جنوب و جنوب غربی مرکز شهر	دروازه مهاده مهین، کلیسای کاتولیک‌ها، حمام مستشار، مدرسه تامارا، خانه افندی
۵	محله قره آغاج	در غرب شهر	دروازه گجیل، قبرستان گجیل، حمام دروازه، بازارچه دروازه، بازارچه دروازه، مسجد آخونی، میدان انگج و محله‌های کوچک شام غازان، آخونی و خطیب و باغهای بزرگ قره آغاج
۶	محله ویجویه	در شمال قره آغاج	دروازه ویجویه، بازارچه ویجویه، کاروانسرای حاج حسین اصفهانی، مسجد حاجی رضا، حمام حاج غفور
۷	محله امیرخیز	در شمال غربی شهر	دروازه اسلامبول، بازارچه دروازه اسلامبول، کاروانسرای حاجی ابراهیم، مسجد امیر خیز قبرستان بالا، حمام حاجی کاظم
۸	محله شتربان	حد فاصل رودخانه میدان‌چای و کوه‌عینعلی	بالا حمام، مدرسه میرزا مهدی، بازارچه دوچی، میدان صاحب الامر، قبرستان شتربان، میدان کاه فروشان، دروازه شتربان
۹	محله سرخاب	در شمال شرقی مرکز شهر	دروازه سرخاب، بازارچه سید حمزه، مقبره و بقعه سید حمزه، حمام سید حمزه، مسجد حاجی فضلعلی، کاروانسرای مشیر الدوله

(استخراج از صفامنش، ۱۳۷۶؛ نادر میرزا، ۱۳۶۰؛ مشکور، ۱۳۵۲، ۱۸۱-۱۱۱؛ استخراج از نقشه دارالسلطنه تبریز).

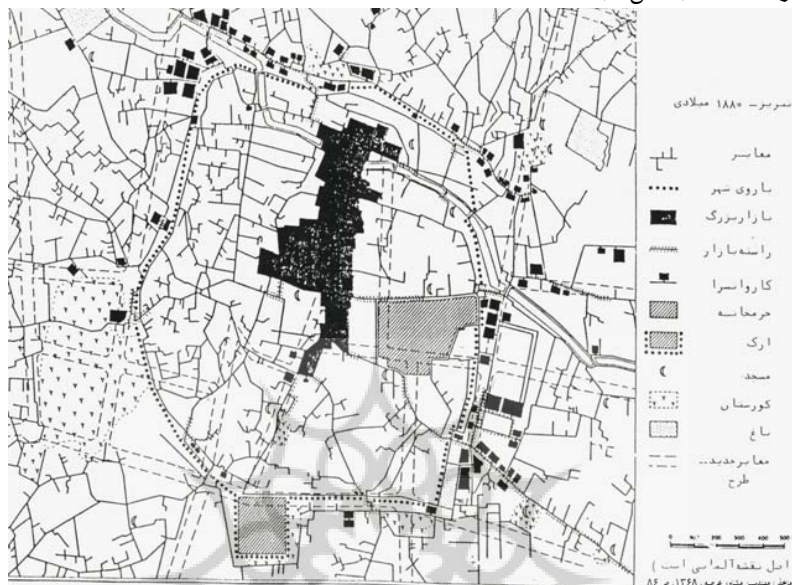


شکل ۳: محله‌ها در اطراف شهر تبریز

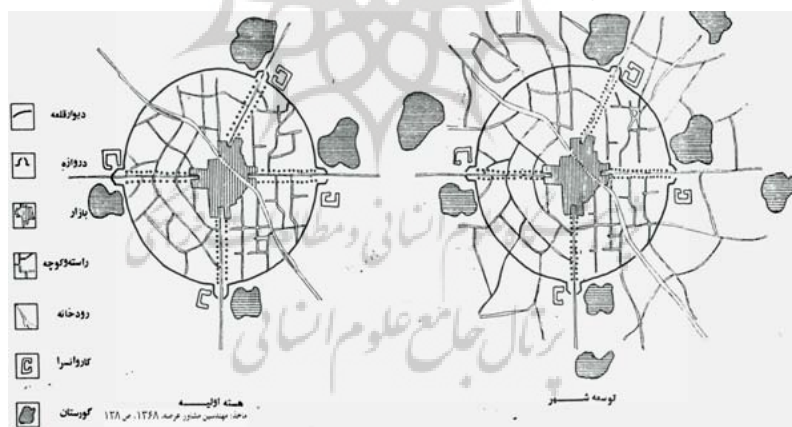
شبکه ارتباطی شهر به صورت پیچ در پیچ بود و رشد ارگانیک و وضعیت دفاعی زمانه را به رخ می‌کشید. مهمترین راه‌ها که استخوان‌بندی اصلی شهر را تشکیل می‌داد یکی راه واصل از دروازه خیابان به دروازه شترابان بود که بین قاره آسیا به اروپا (جاده) ابریشم واقع شده بود که از سمت جنوب شرق شروع و در انتها از سمت شمال شهر خارج می‌شد و دیگری میان دروازه گجیل و دروازه باغمیشه بود که از سمت شرق به سراب و از غرب به مراغه می‌رسید. این خیابان‌ها به طور نامنظم بودند و بقیه خیابان‌ها نیز به همین ترتیب. هسته مرکزی شهر (بازار، مسجد جامع و دیوانخانه) و قسمت‌هایی از محلات در درون برج و بارو قرار گرفته بود. البته، باید توجه داشت در دوره‌های رونق و توسعه شهر در بعضی از دوره‌ها کل شهر داخل برج و بارو بود. در دوره قاجار ارگ شهر دو تا بود: یکی در مرکز شهر جنوب شرق بازار و دیگری کنار برج و بارو در سمت جنوب شهر.



همچنین بجز مقبره الشعرا (بقعه سید حمزه) تقریباً تمام قبرستان‌های شهر بیرون از برج و بارو قرار داشتند (شکل ۴).



شکل ۴: نقشه شهر تبریز در سال ۱۳۶۰ شمسی



شکل ۵: رشد شهر تبریز براساس مدل دتمان

در سال ۱۲۸۰ هجری شمسی شهر تبریز در حدود ۷۰۰ هکتار وسعت داشت (عزیزپور، ۱۳۷۵، ۵۸). در ارزیابی کلی ساختار، بافت و سیمای شهر تبریز قبل از مدرنیسم، می‌توان به طرح نمادین کلاوس دتمان اشاره کرد (شکل ۴) که مؤمنی نیز

ویژگی‌های کالبدی این شهر را به بهترین مثال از طرح نمادین دتمان از شهرهای ایرانی - اسلامی می‌داند (مؤمنی، ۱۳۸۲، ۴۰۰).

### تحولات اقتصادی - اجتماعی تبریز در صد سال اخیر:

شهر تبریز از دوره فتحعلی شاه، از یک سو به دلیل اقامت ولیعهد قاجار در آن و از سوی دیگر به خاطر نزدیکی به قفقاز، گرجستان و امپراتوری عثمانی، به کانون مبادلات فرهنگی و اقتصادی میان ایران و همسایگان شمالی و شمال غربی تبدیل شد. همچنین جنگ‌های بین ایران و روس اهمیت سیاسی و نظامی تبریز را افزایش داد. عباس میرزا با استقرار در تبریز صنایع جدید راه انداخت و خواستار ارتباط بیشتر با قفقاز و گرجستان و استانبول شد و بدین ترتیب شهر تبریز از زمان عباس میرزا تا پایان حکومت قاجار به عنوان مهمترین شهر ایران بعد از تهران مطرح شد (صفامنش و دیگران، ۱۳۷۶، ۳۵-۳۶).

در سال ۱۲۵۶ تبریز یکی از مراکز اصلی تجارت ایران بود و یک چهارم تا یک سوم کل تجارت ایران را به عهده داشت و از این نظر بر تهران برتری داشت (مؤمنی، ۱۳۸۱، ۳۹۹). مهمترین راه‌هایی که در کارکرد تبریز نقش عمده‌ای ایفا می‌کردند، یکی راهی بود که از دروازه خیابان به دروازه شتربان کشیده شده و در مسیر راه بین قاره آسیا به اروپا واقع شده بود و دیگری از دروازه باغمیشه وارد و از دروازه گجیل خارج می‌شد.

عوامل سیاسی - نظامی، ارتباطی و تجاری ذکر شده در بالا باعث شده بود تا تبریز به عنوان معتبرترین شهر شمال غرب کشور ایفای نقش کند و معتبرترین عناصر شهر یعنی بازار که بزرگترین بازار سنتی خاورمیانه است و صادرات و واردات ایران با کشورهای اروپایی را در خود جای می‌دهد و دیوانخانه و غیره از این عوامل مشتق می‌شد. این عوامل باعث شده بود شهر تبریز نقش تجاری و سیاسی - نظامی به خود بگیرد و از این طریق عملکرد و نقش خود را در سطح منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی گسترش دهد.

ارتباطات و تبادل فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی با کشورهای پیشرفته اروپایی، مدرنیسم را در تبریز نسبت به بقیه شهرهای دیگر ایران زودتر رواج داد؛ به طوری که نخستین تماشاخانه تبریز (هیأت اکتورال آذربایجان) با الهام از قفقاز در سال ۱۲۶۰ هجری شمسی در تبریز دایر گردید (جوادی، ۱۳۵۰، ۲۰۹). نخستین مدرسه با اصول اروپایی در

سال ۱۲۴۳ شمسی از سوی ارامنه در حیاط کلیسای لیل آباد تأسیس شد. دومین مدرسه در زمان ولیعهدی مظفرالدین شاه تأسیس شد که به وسیله معلمان اروپایی اداره می‌شد و بعد به دارالفنون تبریز تغییر نام یافت. این مدرسه متوسطه بود و مدرکش از سوی کشورهای اروپایی پذیرفته می‌شد. در سال ۱۲۷۲ در کنار جبه خانه مدرسه رشدیه را تأسیس کردند که اولین مدرسه ابتدایی ایران حساب می‌شود. قدیمترین کتابخانه عمومی ایران در سال ۱۲۷۳ شمسی جنب مکتب خانه ارگ تأسیس شد. سومین روزنامه ایران یا اولین روزنامه تبریز با نام «آذربایجان» و «اخبار دارالسلطنه مملکت آذربایجان» «وقایع محروسه آذربایجان» در سال ۱۲۴۰ هجری شمسی منتشر شد. در سال ۱۲۳۳ با حمایت عباس میرزا چاپخانه‌ای در تبریز تأسیس و نخستین کتاب چاپی ایران در این چاپخانه منتشر شد (جوادی، ۱۳۵۰، ۱۶۵، مؤمنی، ۱۳۸۱، ۳۹۸).

تبریز از سال ۱۲۸۲ بسیار آشفته و جزو مهمترین کانون‌های مشروطیت شد. در سال ۱۲۸۷ قشون دولتی شهر را محاصره کردند و در همان سال تبریز و آذربایجان به دست روس‌ها افتاد. در سال ۱۲۹۳ از خط آهن جلفا- تبریز بهره‌برداری شد و در سال ۱۲۹۶ عثمانی‌ها تبریز را اشغال کردند (مؤمنی، ۱۳۸۱، ۴۲۰-۴۲۳).

با سرنگونی حکومت قاجار و روی کار آمدن رضا خان، عمده شدن صادرات نفت، پیشرفت فرآیندها تکنولوژی غرب، آرایش سیاسی جدید ناشی از انحطاط امپراتوری عثمانی و قدرت‌یابی اتحاد جماهیر شوروی، تأکید کشورهای غربی بر قدرت‌های متمرکز جهت بهره‌برداری از منابع در ایران، باعث رکود و افول و در حاشیه قرار گرفتن شرایط اقتصادی و اجتماعی تبریز و منطقه می‌شود (حریری/کبری، ۱۳۷۶، ۶۷). از این به بعد جای عملکرد استخراج مازاد تولید در شهرها جای خود را به دلارهای وارده ناشی از صادرات نفت می‌دهد و از این به بعد افول و زوال نه تنها تبریز و منطقه، بلکه کشور را نیز فرا می‌گیرد. با به حکومت رسیدن رضاخان اقدامات مدرنیستی به طور گسترده در تبریز و سایر شهرهای ایران شروع شد. استراتژی دوره پهلوی با عنوان مدرن شدن و گسترش مدرنیسم در ایران به طور عام و تبریز به طور خاص بعضی از کارکردها را از بین برد و به جای آن کارکردهای جدید را جایگزین آنها کرد. در این راستا سه عامل تاثیر گذار بودند: ۱- عامل صنعتی و تکنولوژیک که پیشرفت تکنولوژیک، علم و به وجود آوردن مصالح جدید، تحولات صنعتی، وسایل و ابزار مکانیکی جدیدی را در اختیار

گذاشت که امکان تولید سهلتر، بیشتر و ارزان‌تر را فراهم ساخت. ظهور وسایلی همچون قطار، اتومبیل، جرثقیل، آسانسور و انواع ماشین‌آلات تولیدی و تأسیساتی زندگی را در دو بعد فضا و زمان، مفهوم و مختصات تازه‌ای بخشید؛ ۲- عامل اقتصادی: توسعه سرمایه‌داری، طبقه متوسط عظیمی را به عنوان مصرف کننده به وجود آورد و معماری جدید به سرعت در خدمت این طبقه قرار گرفت. نظریات گینر، پایین آوردن هزینه به منظور کسب سود بیشتر بود که با تکنولوژی جدید کاملاً سازگار بود؛ ۳- عامل مذهبی و اعتقادی: ساده زیستن و اقتصادی عمل کردن یکی از ارکان تفکر پروتستان بود. بهره‌وری عملکردگرایی اساس اعتراضی بود که به معماری قرن نوزدهم وارد می‌کردند. بنابراین، سادگی، حذف تزیینات اضافی و در نظر گرفتن ساز تزیین، تکیه بر خردگرایی و روش‌های عملی، در خدمت قرار دادن شکل برای عملکرد و تولید زیاد و ارزان از خصوصیات اصلی تجدید بود (بحرینی، ۱۳۷۶، ۱۷-۱۵). این عوامل به تدریج در ایران و مخصوصاً در تبریز تأثیر خود را به جا نهادند و تحولات اقتصادی- اجتماعی ناشی از آنها، تحولات کالبدی شهر تبریز را به وجود آورد.

از آغاز حکومت پهلوی به بعد، بتدریج دوره رکود تبریز شروع شد. در دهه ۱۳۰۰ تبریز با ۱۵۰۰۰۰ نفر جمعیت دومین شهر کشور بود و بقیه شهرهای کشور بجز تهران (۲۱۰۰۰۰) کمتر از ۱۰۰۰۰۰ نفر جمعیت داشتند (هلرس، ۱۳۸۰، ۱۶۸). در سال ۱۳۳۵ تبریز با جمعیت ۲۸۹۹۹۶ نفر دومین شهر ایران بود که در دوره‌های بعد (۱۳۴۵، ۱۳۵۵، ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵) به ترتیب با ۴۰۳۴۱۳، ۵۹۷۹۷۶، ۹۷۱۴۸۲، ۱۱۹۱۰۴۳ نفر به رتبه چهارمین شهر ایران رسید. افول موقعیت منطقه‌ای تبریز در نتیجه تحولات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی صد سال اخیر، این شهر را از رشد اقتصادی و اجتماعی بازداشته است و طی دوره پهلوی به طور شکننده‌ای شروع به از دست دادن نیروهای فکری، مالی و ... خود کرده است و مهاجرت و انتقال منابع به سایر نقاط کشور، بویژه تهران و تا حدی اصفهان و مشهد و حتی به خارج از کشور را فراهم کرده است؛ به طوری که مهمترین ویژگی جمعیتی آذربایجان و تبریز در این دوره مهاجرت بوده است (حریری اکبری، ۱۳۷۶، ۶۶).

با شکست ایران از روس و تحمیل قراردادهای گلستان و ترکمنچای به ایران از یک طرف و پیشرفت تکنولوژی غرب و غلبه واردات به صادرات از طرف دیگر،

بازرگانی تبریز دچار رکود کامل شد. در سال ۱۲۹۶، پنج کارخانه تولید برق در تبریز وجود داشت که جمعاً ۱۲۹۸۱۶۰ کیلووات-ساعت برق تولید می‌کرد (هلرس، ۱۳۸۰، ۱۸۱). در اوایل حکومت پهلوی کارخانه‌های کبریت‌سازی، سیلوی تبریز و نخ‌ریسی تأسیس شد. حکومت خودمختار آذربایجان در سال ۱۳۲۴ دانشگاه تبریز، ساختمان استودیو رادیو تبریز، لوله‌کشی آب قسمتی از شهر، تسطیح و آسفالت خیابان‌ها و جاده‌ها و به کار انداختن کارخانه‌های تعطیل شده را آغاز کرد.

تحولات اساسی در اقتصاد تبریز با سیاست عمرانی قطب رشد کردن تبریز از ۱۳۴۰ به بعد شروع می‌شود. در سال ۱۳۴۳ اصلاحات ارضی در تبریز اجرا می‌شود و در سال ۱۳۴۴ فرودگاه تبریز بنا می‌شود و در همین سال ساختمان جدید ایستگاه راه‌آهن در غرب شهر بنا می‌گردد. صنایع سنگین ماشین‌سازی تبریز در سال ۱۳۴۵ پایه‌گذاری می‌گردد و در سال ۱۳۵۱ به بهره‌برداری می‌رسد. تراکتورسازی تبریز در سال ۱۳۴۶ پایه‌گذاری می‌شود. کارخانه سیمان صوفیان در سال ۱۳۴۹ و کارخانه دورمن دیزل در سال ۱۳۵۰ به بهره‌برداری رسیدند. پروژه ایجاد موتور لیف تراک کمپرسور و موتور آبی صنعتی و پروژه ریخته‌گری در سال ۱۳۵۰ تأسیس شد. پالایشگاه نفت تبریز و صنایع دیگر نیز تا سال ۱۳۵۵ در منطقه صنعتی تبریز در غرب شهر تأسیس شدند (یزدانی، ۱۳۸۲، ۲۲۷؛ مشکور، ۱۳۵۲، ۳۵۰-۳۷۲).

در سال ۱۳۴۶ در تبریز ۲۷ بیمارستان وجود داشت. در سال ۱۳۴۷ مرکز تلفن خودکار افتتاح شد و در سال ۱۳۴۵ شرکت واحد اتوبوسرانی تبریز و حومه تأسیس گردید (طرح جامع تبریز، ۱۳۴۷، ۵۶۴-۵۹۷). به طوری که در نتیجه صنعت‌گرایی و سیاست‌های ایجاد قطب رشد در برنامه سوم عمرانی قبل از انقلاب جمعیت شاغل فعال در بخش صنعت در سال ۱۳۵۵ به حداکثر خود می‌رسید. از سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ در نتیجه تغییر مدیریت کشور از حکومت پهلوی به حکومت انقلاب اسلامی و عدم ثبات در مدیریت کشور، جنگ بین ایران و عراق و نبود برنامه‌ریزی در کشور، اشتغال و فعالیت در بخش کاهش محسوسی تجربه کرد. از سال ۱۳۶۵ به بعد، در نتیجه اتمام جنگ ایران و عراق، اجرای برنامه‌های اول و دوم عمرانی بعد از انقلاب اسلامی و تثبیت نظام مدیریتی کشور، اشتغال و فعالیت در صنعت بهبود چشمگیری یافت (جدول ۲).

جدول ۲: تغییرات درصد شاغلان در تبریز در بخش‌های عمده فعالیت

سال	کشاورزی	صنعت	خدمات
۱۳۴۵	۲/۶	۵۲/۳	۴۵/۱
۱۳۵۵	۱/۹	۵۷/۲	۴۰/۹
۱۳۶۵	۱/۷	۳۴/۶	۶۳/۷
۱۳۷۵	۱/۵	۴۷/۵	۵۱

مأخذ: یزدانی، ۱۳۸۲، ۱۸۹ - ۱۹۸.

### ویژگی‌های کالبدی شهر تبریز در دوره مدرنیسم (۱۳۰۰ به بعد):

ویژگی‌های کالبدی شهر تبریز را از سال ۱۳۰۰ به بعد می‌توان در دو دوره بررسی نمود. دوره اول، از به حکومت رسیدن رضا خان تا سال ۱۳۴۰ را در بر می‌گیرد. دوره دوم از سال ۱۳۴۰ به بعد شروع می‌شود. در دوره اول، اقدامات شبه مدرنیستی رضاخان در شهر تبریز انجام می‌گیرد و تحولاتی بنیادین در بافت سنتی شهر تبریز به وجود می‌آورد و در دوره دوم، با اجرای اصلاحات ارضی و تعیین تبریز به عنوان قطب رشد منطقه، مهاجرت‌های بی‌رویه روستا-شهری و شهرهای کوچک منطقه به تبریز شروع می‌شود.

### الف- تحولات کالبدی شهر تبریز تا سال ۱۳۴۰:

با استقرار حکومت پهلوی در ایران، تغییرات اساسی در کلیه شئون اجتماعی و اقتصادی کشور آغاز گشت و تبریز که شهر اول کشور بعد از پایتخت بود، این تغییرات را در خود پذیرفت. این تغییرات آثار خود را در کالبد شهر نیز به جا گذاشت. تغییراتی که عمدتاً انجام می‌گرفت، مدرنیستی بود و عملاً چون جامعه کشتش و پذیرش این تحولات را در خود نداشت و این تغییرات نیز برون‌زا بود، به تحولات شبه مدرنیستی تبدیل شد؛ یعنی کلیه آثار فرهنگی و سنتی با عنوان از حیث انتفاع افتادن، تخریب شدند و از بین رفتند.

جاده تهران به تبریز که اولین شاهراه حیاتی اقتصادی بود کشیده شد و خیابان پهلوی در امتداد راه تهران- تبریز در داخل شهر احداث گردید و در سالهای بعد، از شرق به دروازه تهران و از شمال غرب به جاده مرند و از جنوب غرب به جاده مراغه متصل شد. خیابان‌های شمالی- جنوبی در دهه اول قرن چهاردهم احداث شد.

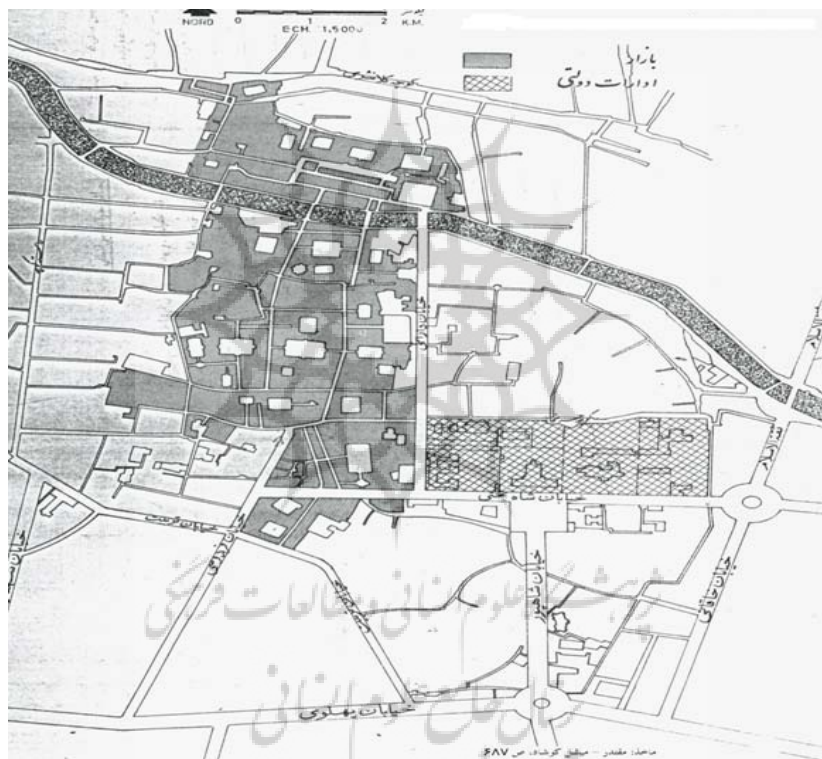
خیابان نظامیه (بعدها شاپور و ارتش شمالی امروزی) از محله نویر شروع و به خیابان پهلوی متصل شد. از خیابان پهلوی، خیابانی منشعب شد و از بازار عبور کرده، به محله شتربان رسید. از میدان دانشسرا تا خیابان منصور (شهید بهشتی امروزی)، خیابانی با نام دانشسرا کشیده شد. خیابان شاه بختی (جمهوری امروزی) و خیابان تربیت ساخته شدند. همچنین در همین دوره گورستان گجیل که به صورت نیمه متروک و زباله‌دانی در آمده بود، به پارک (باغ گلستان) تبدیل شد و در دهه دوم قرن چهاردهم، چهار میدان در چهار گوشه باغ گلستان احداث شد. در گورستان متروکه نوبر عمارت شهرداری تبریز توسط معماران آلمانی طراحی و ساخته شد.

بعد از جنگ جهانی دوم، دهه دوم قرن چهاردهم با کمی وقفه اقدامات شهرسازی در تبریز دوباره شروع شد. ساختمان استانداری روی ویرانه‌های عالی قاپو، ساختمان‌های بانک ملی و اداره دارایی در محل «جبه خانه» قدیم احداث شدند. ساختمان شهربانی نیز در همین محدوده ساخته شد. در محل دیوانخانه قاجاری چند واحد آموزشی مدرن احداث گشت. همچنین بخش شمالی خیابان شاهپور، از میدان شهرداری تا مقابل استانداری امتداد یافت و میدان توپخانه (شهدای فعلی) شکل گرفت.

در دهه ۱۳۳۰ خیابان شهنواز (شریعتی امروزی) از محله لیلوا رو به شمال گشوده شد و از خیابان پهلوی گذشته، به انتهای خیابان تربیت و به ابتدای راسته کوچه وصل شد. در این دهه، خیابان شاه بختی تا کرانه میدان چای کشیده شد و خیابان خاقانی آن سوی رودخانه با نام ثقه الاسلام تا بخش مرکزی محله سرخاب ادامه یافت. در سال ۱۳۳۷ خیابان شمس تبریزی با جهت شرقی- غربی و ملل متحد (فلسطین فعلی) از شمال شرقی باغ گلستان به شمس تبریزی وصل شد (صفاهمنش، ۱۳۷۶، ۴۵-۴۹؛ مشکور، ۱۳۵۲، ۲۶۳-۲۷۲).

این خیابان‌کشی‌ها ساختار ارتباطی ارگانیک شهر را به هم ریخت و خیابان‌های پیاده‌رو را عریض و به خیابان‌های اتومبیل رو تبدیل کرد. این خیابان‌کشی‌ها تمام ساختار سنتی را نادیده گرفته، آثار سنتی را از بین بردند؛ به طوری که در سال ۱۳۴۰ هیچ اثری از دروازه‌های شهر دیده نمی‌شد و مثل اینکه از اول بنا نشده بودند! همچنین هدف عمده این خیابان‌ها، ماشین‌رو کردن شبکه ارتباطی و تسریع دسترسی عناصر و فضاهای شهری به همدیگر بود (نقشه ۶).

اقدامات شهرسازی این دوره به طور کلی بافت سنتی را از هم گسیخت و خیابان‌ها را بر بافت سنتی تحمیل کرد. بافت ارگانیک ارتباطات پیاده‌رو از بین رفت و خیابان‌های اتومبیل رو هندسی منظم جای آنها را گرفت. این اقدامات زمینه را برای سازگاری با تحولات جدید و مدرنیستی فراهم آورد. در این دوره مخصوصاً از ۱۳۲۰ به بعد حاشیه‌نشینی چون لکه سیاهی در کالبد شهر تبریز نمایان شد و در منطقه شمال شهر محله‌های دره‌ایچی، قربانی، سیلاب، حیدرآباد- داداش‌آباد و در منطقه جنوبی شهر محله‌های یانوق و مارالان حاشیه‌نشینی را تجربه کردند.



شکل ۶: تعریض و ایجاد خیابان‌ها در داخل و اطراف بازار تا سال ۱۳۴۰

مهاجرت‌های شدید روستایی، حاشیه‌نشینی را در این محلات گسترش دادند. محلات و معماری سنتی درونگرایی خود را از دست دادند و برونگرایی در معماری و ساخت فضاها رواج یافت، به طوری که قبل از مدرنیسم اکثر فضاهای شهری در مرکز محلات

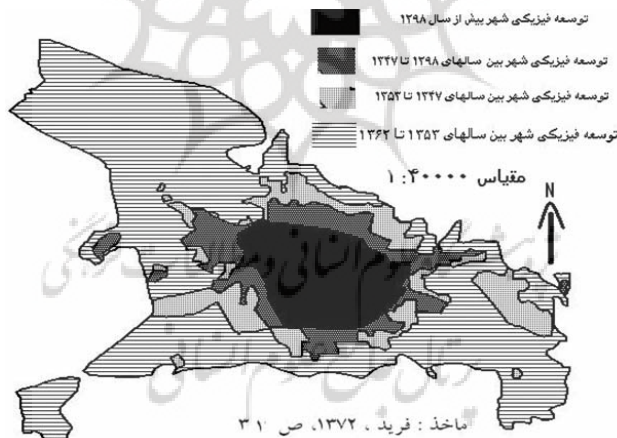


قرار داشت، ولی در این دوره به جلو خیابان‌ها و جلو دید مردم کشید. شده تا سال ۱۳۴۰ سه بافت در شهر تبریز وجود داشت: ۱- محدوده تاریخی که بیشتر تحولات در این محدوده تأثیر گذاشت؛ به طوری که خیابان‌کشی‌ها در این محدوده برای دستیابی به مسیرهای اتومبیل رو اجرا می‌شد؛ ۲- محلات سنتی که خیابان‌کشی‌ها این محدوده را نیز شامل می‌شد. در ضمن بعضی فضاهای جدید شهری در این محدوده به وجود آمد؛ ۳- محلات حاشیه‌نشینی که در نتیجه مهاجرت‌های روستایی و ضعف مالی بعضی از شهرنشینان به وجود آمد. در سال ۱۲۸۰ شهر تبریز ۷۰۰ هکتار وسعت داشت که در سال ۱۳۳۵ به ۱۷۷۰ هکتار افزایش یافت (جدول ۳؛ شکل ۷).

جدول ۳: مساحت شهر تبریز در دوره های مختلف

ردیف	سال	هکتار
۱	۱۲۸۰	۷۰۰
۲	۱۳۳۵	۱۷۷۰
۳	۱۳۵۵	۴۵۸۰
۴	۱۳۶۵	۱۴۰۰۰

مأخذ: عزیزپور، ۱۳۷۶، ۵۸.



شکل ۷: توسعه فیزیکی شهر تبریز بین سال‌های ۱۲۹۸ تا ۱۳۶۲

خیابان‌کشی‌ها در تبریز به همراه ایجاد مراکز اداری اولین آثار اقدامات شبه مدرنیستی رضا شاه بر روی شهر تبریز بود. خیابان‌های ایجاد شده در تبریز و دیگر

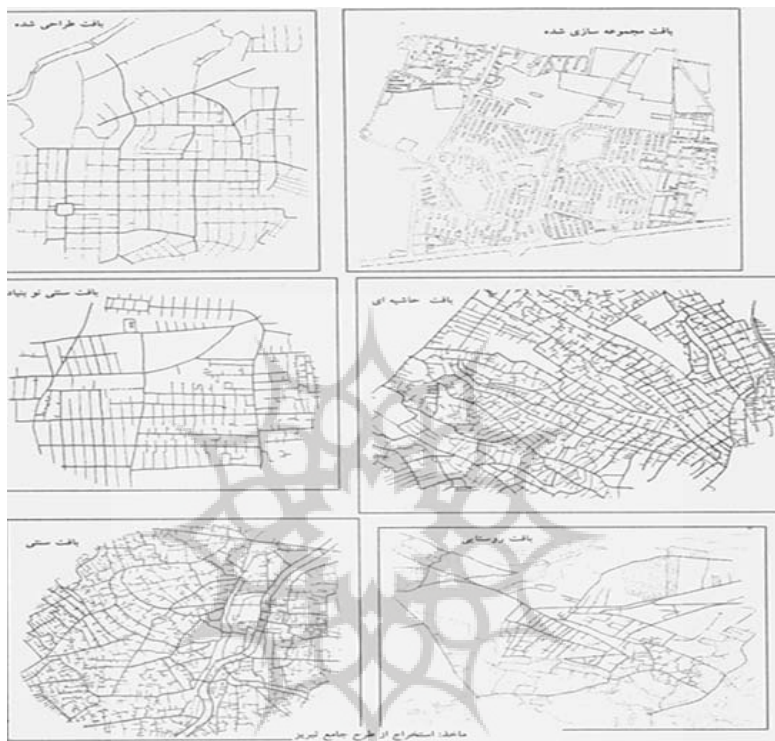
شهرهای بزرگ کشور برای پذیرش تحولات برونزا در کشور ایران بود. شکل ۶ تغییرات کاربری اراضی شهری تبریز از ۱۳۰۰ به بعد را نشان می دهد.

### تحولات کالبدی شهر تبریز از سال ۱۳۴۰ به بعد:

از سال ۱۳۴۰ سه عامل عمده شهر تبریز را دچار تحول اساسی می کند: یکی اصلاحات ارضی، که در منطقه و تبریز اجرا می شود؛ دومی برنامه سوم توسعه که تبریز را به عنوان یکی از قطب‌های رشد کشور مطرح می کند و برای این منظور طرح‌های بزرگ صنعتی در تبریز اجرا می شود؛ و سومی اقتصاد نفت ایران که کشاورزی و استخراج مازاد تولید منطقه را از بین می برد و نقش دولت را در امور زندگی مردم بیشتر می کند. این عوامل موجب می شود کالبد شهر تبریز متحول شده، بافت‌های جدیدی پیرامون شهر شکل بگیرند. در دهه ۱۳۵۰ پیروزی انقلاب اسلامی و در دهه ۱۳۶۰ جنگ ایران و عراق و در دهه ۱۳۷۰ برنامه‌های توسعه عمرانی کشور، نه تنها تبریز، بلکه کل کشور را تحت تأثیر خود قرار می دهند. در سال ۱۳۴۳ قانون اصلاحات ارضی در آذربایجان به اجرا گذاشته می شود و در سال ۱۳۴۲ در برنامه سوم عمرانی کشور؛ تبریز به عنوان قطب رشد منطقه مطرح و برای نیل به این هدف صنایع سنگین و انواع صنایع دیگر در تبریز تأسیس می شود. نتیجه این امر، تزریق دو محرکه قوی بر پیکر شهر تبریز بود که روستاییان رها شده از روستا را به شهر تبریز جذب می کنند. زمین‌های کشاورزی و باغ‌های اطراف شهر به زیر ساخت و ساز می رود و چند روستا از جمله بارنج در شرق، قراملک در غرب، لاله در رواسان- اخماقیه در جنوب و جنوب غرب و ائل گلی در جنوب شرق به شهر متصل می شوند و بافتی سنتی و نوبنیاد در خود به وجود می آورند.

از ویژگی‌های این مناطق تسلط کامل کاربری مسکونی نسبت به سایر کاربری‌ها، کوچه‌های باریک و هندسه نامنظم تابع توپوگرافی و سطوح کوچک عرصه‌های مسکونی است. همچنین در اطراف شهر نیز باغ‌ها و زمین‌های کشاورزی به زیر ساخت و ساز می رود این ساخت و ساز در پیرامون مرکز شهر بافتی همچون بافت سنتی به وجود می آورد. می توان برای نمونه از باغ‌های حکم‌آباد و قراملک در غرب شهر نام برد. سطح وسیعی از توسعه اخیر شهر در غرب و شرق تا جنوب شرقی را بافت طراحی شده به خود اختصاص داده است. این ساخت و سازها به صورت گسترده توسط نهادهای عمومی

برای سکونت دادن کارمندان و کارکنان بنا شده‌اند. از نظر محتوایی این بافت ناشی از ترکیب تلقی‌های تخصصی و عامیانه از شهرسازی مدرن و دارای شبکه‌های ارتباطی منظم است.



شکل ۸: بافت‌های مختلف شهری تبریز

برای مثال، می‌توان به شهرک ولی عصر و زعفرانیه اشاره کرد. در نهایت، می‌توان به مجموعه‌سازی اشاره کرد که بیشتر به صورت بلوک‌های آپارتمانی است. از ویژگی‌های این بافت می‌توان به دور شدن از لبه خیابان و احداث حیاط‌های محصور مشترک و ساخت و ساز به صورت متمرکز اشاره کرد. از این مجموعه‌ها تقریباً در تمام شهر به صورت پراکنده وجود دارد که می‌توان به شهرک باغمیشه در شمال شرق، شهرک امام در غرب و یاغچیان در جنوب شرق اشاره کرد (طرح جامع تبریز، ۱۳۶۸، ۳۸۵-۴۰۴؛ عبدالمهی، ۱۳۷۶، ۱۰۸-۱۱۰) (شکل ۸).

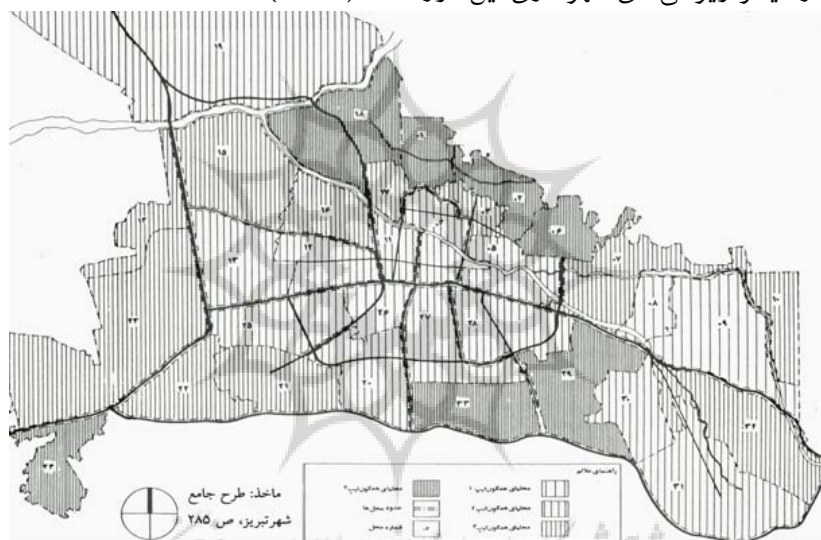
در شمال شهر دو محله آزادی (یانوق) و مارالان و در جنوب غربی آخماقیه - ارواسان مناطق حاشیه‌نشین شکل گرفته‌اند. مشخصات اصلی آنها برپایی آن در برخی اراضی نامناسب با شیب‌های تند و توپوگرافی بسیار نامنظم است. بی‌نظمی کامل در شبکه ارتباطات، معابر تنگ، کوچکی فوق‌العاده قطعات و نبود امکانات شهری و کاربری‌های غیرمسکونی از ویژگی‌های این محلات است (عبدالهی، ۱۳۷۶، ۱۱۱).

اگر بخواهیم مناطق مسکونی شهر تبریز را از نظر قشربندی اجتماعی با توجه به شاخص‌هایی همچون گروه‌های شغلی، گروه‌های درآمدی، میزان استفاده از خدمات و تسهیلات شهری طبقه‌بندی کنیم، به چهار محل همگون اجتماعی برمی‌خوریم:

۱- محل‌های همگون تیپ یک که شامل سه محله می‌شود؛ ساکنان اقشار پردرآمد و مرفه، وجود تأسیسات و خدمات شهری زیاد و واحدهای مسکونی با کیفیت بالای ساخت و ساز و مصالح بادوام از ویژگی‌های این محلات است؛ ۲- محل‌های همگون تیپ دو شامل دوازده محله می‌شود و بیشتر محلات قدیمی را در بر می‌گیرد و سطح زندگی و میزان دسترسی به امکانات و خدمات شهری کمی بیشتر از سطح میانگین کل شهر است و اقشار با درآمد متوسط و بالاتر شهر در این محلات ساکنند؛ ۳- محل‌های همگون تیپ سه که یازده محله را شامل می‌شود و به طور عمده از فضاهای روستایی اطراف شهر محسوب می‌شود که در سه دهه اخیر به شهر پیوسته‌اند. دو محله قدیمی نیز جزو این‌ها به حساب می‌آید. سطح زندگی و میزان دسترسی به خدمات اجتماعی ساکنین این محلات پایین‌تر از کل شهر است و کارگران و حقوق‌بگیران ساکنین این محلات هستند؛ ۴- محل‌های تیپ چهار که مناطق حاشیه‌نشین به شمار می‌آیند و دارای هفت محله همگون است. ساکنان این محلات را اقشار کم درآمد عشایر و روستاییان مهاجر، کارگران ساده ساختمانی و کارگران واحدهای تولید غیر رسمی و فعالان خرده پای امور خدماتی تشکیل می‌دهند. سطح زندگی، دسترسی به خدمات شهری و دوام ساختمان‌ها و مساحت این ساختمان‌ها پایین‌تر از میانگین کل شهر است (طرح جامع تبریز، ۱۳۶۸، ۳۸۰؛ غربی، ۱۳۷۷، ۱۹ تا ۱۰۶) (شکل ۹).

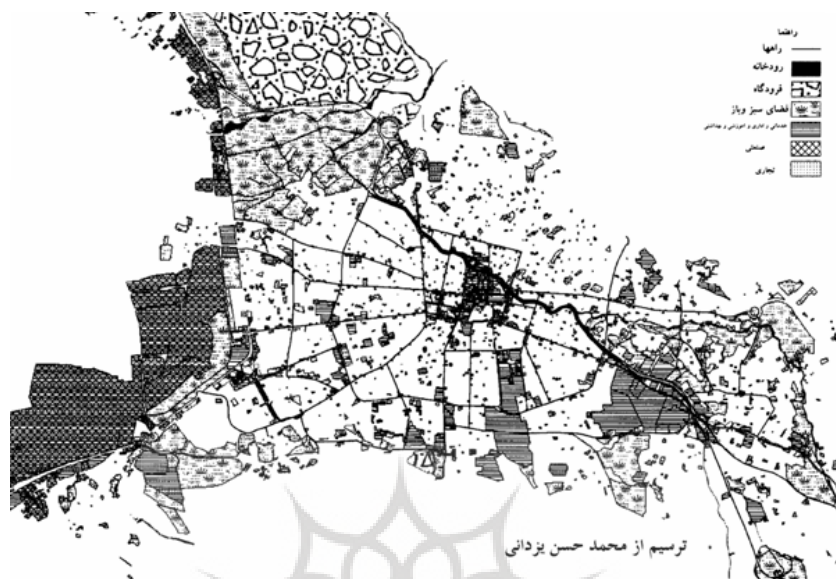
در این دوره طرح‌هایی در جهت انتقال کارگاه‌های مزاحم شهری به خارج از شهر اجرا می‌شود که مهمترین آنها، انتقال ترمینال تبریز به جنوب غرب شهر و احداث وادی

رحمت و برچیدن تمام گورستان‌های دیگر در داخل شهر و از همه مهمتر انتقال کل کارگاه‌های چرم سازی داخل شهر به شمال غربی شهر و تأسیس چرم‌شهر است. تصویب طرح احداث بزرگترین پارک مصنوعی خاورمیانه در شمال غرب تبریز که هشتصد هکتار وسعت دارد، از دیگر اقدامات شهرسازی این دوره است که در فضای شهری تبریز خودنمایی می‌کند. احداث ساختمان‌های چند طبقه، استفاده از آسانسور در این ساختمان‌ها، احداث ساختمان‌های هندسی منظم به تقلید از طرح‌های اروپایی، عدم توجه به اصول شهرسازی سنتی و بومی و استفاده از مصالح ساختمانی بادوام، از جمله آجر و سیمان و آهن از دیگر ویژگی‌های شهرسازی این دوره است (نقشه ۹).



شکل ۹: محله‌های همگون در شهر تبریز

رتال جامع علوم انسانی



شکل ۱۰: کاربری های اصلی شهر تبریز در سال ۱۳۸۳

#### نتیجه

تحولات کالبدی شهرهای ایرانی-اسلامی، همچنین تبریز در دو دوره کلی مطالعه می‌شود. دوره اول قبل از مدرنیسم که در ایران و مورد تبریز قبل از ۱۳۰۰ شمسی (تا اواخر دوره قاجار) را شامل می‌شود. تا این دوره، کالبد شهر تبریز مثل بقیه شهرهای ایران و کشورهای اسلامی تقریباً با کمی تسامح متحدالشکل بودند و به صورت درونزا رشد می‌کردند و ویژگی‌های کالبدی یکسانی داشتند که با طرح کلی دتمان (نقشه ۱) قابل تبیین است.

دوره دوم با شعار مدرنیسم تحولات کالبدی شهر تبریز را تحت تأثیر قرار می‌دهد. تحولات مدرنیستی این دوره، دو دوره عمده از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۴۰ و از سال ۱۳۴۰ تا حال حاضر را شامل می‌شود. تا سال ۱۳۴۰ مدرنیسم در تبریز در هم ریختگی‌های مشخص و ناپایدار جامعه و حیات شهری را به وجود آورد. فاصله موجود میان شهر و حوزه نفوذ و همسانی‌های عملکردی شهرها را از بین برد و دوگانگی‌ها تقریباً در تمام جوانب حیات شهری پدیدار گشت. در این دوره بدون هیچ اندیشه شهرسازانه و به صورت گسیخته و نامنسجم به خیابان‌کشی‌های مدرن و صلیبی شکل که اولین مظاهر مدرنیستی شهرسازی

در شهر تبریز بود، دست زدند که در نتیجه آن بافت تاریخی و سنتی شهر از هم گسیخت و محله‌بندی و واحدهای همسایگی و مجموعه‌های شهری موجود از هم دریده شد؛ به طوری که در مرکز شهر تبریز تا سال ۱۳۳۰ بیش از بیست خیابان و شش میدان مدرن ساخته شد که بدون هیچ اعتنایی به بافت مرکز شهر و مجموعه‌های قدیمی، آنها را تخریب کرد. مجموعه دیوانخانه تبریز از بین رفت و بازار تبریز درون خیابان‌های جدید محصور شد و در بعضی بخش‌ها قسمتی از بازار تخریب شد (شکل ۶) و روی ویرانه‌های دیوانخانه و اطراف آن به ساخت و ساز منفرد ساختمان‌های اداری پرداختند. همچنین در این دوره حاشیه‌نشینی برای اولین بار در کالبد شهر شکل گرفت. موارد یادشده، نتیجه اولین اقدامات مدرنیستی بود که بر پیکر شهر تبریز وارد شده بود.

دوره دوم، تحولات کالبدی مدرنیستی بود که از ۱۳۴۰ به بعد شروع شد و به طور عمده عمدتاً محصول چند عامل عمده بود؛ به طوری که اصلاحات ارضی، مهاجرت روستاییان و شهرنشینیان پیرامون را به تبریز تشدید کرد، استفاده از مصالح ساختمانی جدید، امکان بنای ساختمان‌های متراکم و مرتفع و پایدار شهری را به وجود آورد، برنامه سوم توسعه عمرانی کشور، شهر تبریز را به عنوان قطب رشد منطقه مطرح کرد و صنایع جدید مادر از جمله تراکتور سازی، ماشین سازی و ... و تأسیس فرودگاه و توسعه دانشگاه و خدمات بهداشتی و اجتماعی و توسعه شبکه‌های ارتباطی باعث جذب مهاجران و توسعه و تحول کاربری‌های شهری گردید. در مقابل، در این دوره، اقتصاد نفت که موجب رکود تجارت، تولید و صنعت بومی منطقه و شهر شد، پیروزی انقلاب اسلامی که مدیریت را در سطوح ملی، منطقه‌ای و شهری ناپایدار کرد و جنگ تحمیلی که از یک طرف، مهاجرت‌های روستا شهری و جنگ‌زدگان را به شهر تبریز تشدید کرد و از طرف دیگر، عدم سرمایه‌گذاری در عمران شهری را به وجود آورد، موجب تغییرات ناموزون و بد قواره کالبد شهر تبریز شد. در نهایت، برنامه‌های اول، دوم و سوم توسعه بعد از انقلاب و پایان جنگ توجه زیاد به عمران شهری، توسعه شهری و بهبود و سازماندهی کالبد شهری را فراهم آورد.

نتیجه این که، اگر تا سال ۱۳۴۰ را دوره ظهور مدرنیسم و تحول مدرنیستی کالبد شهر تبریز بدانیم، دوره ۱۳۴۰ به بعد را باید دوره تکامل کالبدی و تأثیر محتوایی آثار مدرنیسم بر کالبد شهر تبریز بنامیم.

## منابع و مآخذ

۱. اهلرس، اکارت (۱۳۸۰)؛ ایران (شهر - عشایر - روستا) مجموعه مقالات، ترجمه عباس سعیدی، منشی، تهران.
۲. اهلرس، اکارت؛ ترجمه مصطفی مؤمنی و محمدحسن ضیاء توانا (بهار ۱۳۷۳)؛ شهر شرق اسلامی؛ مدل و واقعیت، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۱، سال نهم.
۳. بنیاد دایره‌المعارف اسلامی (۱۳۷۲)؛ بازار، دانشنامه جهان اسلام، حرف ب، جزوه سوم، تهران.
۴. بیومن، پیتر و دیگران، ترجمه محسن مدیر شانه‌چی و دیگران (۱۳۶۹)؛ خاورمیانه، آستان قدس رضوی، مشهد.
۵. جوادی، شفیق (۱۳۵۰)؛ تبریز و پیرامون، چهر، تبریز.
۶. حریری اکبری، محمد (زمستان ۱۳۷۶)؛ پروژه‌ای برای احیای تبریز، مجله گفتگو، شماره ۱۸.
۷. حسامیان، فرخ - اعتماد، گیتی - حایری، محمدرضا (۱۳۶۳)؛ شهرنشینی در ایران، آگاه، تهران.
۸. حسین‌زاده دلیر، کریم (۱۳۶۱)؛ طرح تحقیقاتی حاشیه‌نشینان شهر تبریز (چاپ نشده)، مؤسسه تحقیقات علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه تبریز.
۹. سلطانزاده، حسین (۱۳۶۵)؛ مقدمه‌ای بر تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران، امیرکبیر، تهران.
۱۰. شکویی، حسین (۱۳۷۳)؛ دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری، سمت.
۱۱. صفامنش، کامران و دیگران (زمستان ۱۳۷۶)؛ ساختار کالبدی شهر تبریز و تحولات آن در دو سده اخیر، مجله گفتگو، شماره ۱۸.
۱۲. صفامنش، کامران و دیگران (زمستان ۱۳۷۶)؛ سیر تحول تاریخی بلوک شهری پاساژ در شهر تبریز، مجله گفتگو، شماره ۱۸.
۱۳. کاستللو، وینسنت فرانسیس (۱۳۷۱)؛ شهرنشینی در خاور میانه، ترجمه پرویز پیران و عبدالعلی رضایی، نی، تهران.
۱۴. عبدالهی، جلیل (۱۳۷۶)؛ ارزیابی توسعه برنامه‌ریزی شده در مقابل توسعه خودرو نمونه موردی تبریز، پایان‌نامه ارشد دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی تهران.
۱۵. عزیزپور، ملکه (۱۳۷۵)؛ توان‌سنجی محیط طبیعی و توسعه فیزیکی شهر نمونه شهر تبریز، پایان‌نامه دکتری دانشگاه تربیت مدرس تهران.
۱۶. غربی، قدرت (۱۳۷۷)؛ برنامه‌ریزی توسعه فضایی مسکن نمونه موردی - تبریز، پایان‌نامه ارشد دانشگاه شهید بهشتی، تهران (چاپ نشده).
۱۷. فرید، بداله (۱۳۷۲)؛ روش تحقیق شهر و روستا، دانشگاه تبریز، تبریز.
۱۸. مشهدیزاده دهاقانی، ناصر (۱۳۷۳)؛ تحلیلی از ویژگی‌های برنامه‌ریزی شهری در ایران، دانشگاه علم و صنعت، تهران.
۱۹. مشکور، محمد جوان (۱۳۵۲)؛ تاریخ تبریز تا پایان قرن نهم هجری، انجمن آثار ملی، تهران.
۲۰. مقتدر - میشل کوشاد (۱۳۴۷)؛ طرح جامع تبریز، سازمان برنامه و بودجه (چاپ نشده).
۲۱. مهندسین مشاور عرصه (۱۳۶۸)؛ طرح جامع تبریز، وزارت مسکن و شهرسازی (چاپ نشده).
۲۲. مؤمنی، مصطفی (۱۳۸۱) «تبریز»، دانشنامه جهان اسلام، ج ۶، حرف ت، تهران.
۲۳. مینورسکی، و، ترجمه عبدالعلی آذرنگ (۱۳۳۷)؛ تاریخ تبریز، کتاب فروشی تهران، تهران.
۲۴. نادر میرزا (۱۳۶۰)؛ تاریخ و جغرافیای دار السلطنه تبریز، اقبال، تهران.
۲۵. یزدانی، محمدحسن (۱۳۸۲)؛ بررسی تحولات نقش و کارکرد شهرهای منطقه آذربایجان، پایان‌نامه ارشد دانشگاه تربیت معلم تهران (چاپ نشده).